

زندگی مردم در دوران رضا شاه به روایت آیت الله امینی

۲۹ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۹

وضع اقتصادی مردم در آن زمان غالباً خوب نبود: درآمدها کم بود، اجناس نسبتاً ارزان بود ولی پول هم کم بود. بسیاری اجناس را به صورت تبادلی معامله می کردند. پولهای رایج یا نقره بود یا مس، یک پول، یک شاهی، ده شاهی، یک ریالی، دو ریالی، پنج ریالی، ده ریالی.

زندگی اکثر مردم ساده و بدون تجملات بود. خانه های مسکونی غالباً با خشت و گل و سقفهای چوبی یا طاقهای ضربی تهیه می شد، و چندان از آجر استفاده نمی کردند، مگر در بناهای مهم مثل مساجد و مدارس. درب منازل و اتاقلها از چوب تهیه می شد و درب آهنی اصلاً مرسوم نبود. موزائیک مرسوم نبود، کف اتاقلها با گچ و خاک صاف می شد. حیاط منازل یا با آجر مفروش می شد یا سنگ فرش گاهی هم شن می ریختند. فرش اتاقلها غالباً گلیم بود یا نمد یا حصیر، و البته افراد متمکن از قالیهای دستباف نیز استفاده می کردند. ظرفها یا مسی بود یا سرامیک و کوزههای گلی.

در آن زمان برق نبود و برای روشنایی از چراغهای روغنی یا شمع و پیه سوز استفاده می کردند. بعد از چندی چراغهای نفتی مرسوم شد که «لامپا» نامیده می شد. این نوع چراغها از شیشه و فتیله تهیه می شد. نوعی چراغ نفتی پیدا شد که فانوس و چراغ «بغدادی» نام داشت، قابل حمل و نقل بود و در باد خاموش نمی شد. در روشنایی کوچه ها و خیابانها نیز از همین وسیله استفاده می کردند.

آب لوله کشی وجود نداشت، آب آشامیدنی و شستوشو را از چاه منازل تهیه می کردند یا از آب قنات و نهرها استفاده می شد. برای گرم کردن منازل از هیزم و ذغال استفاده می کردند و برای خنک کردن از زیرزمین و سرداب و بادبزن استفاده می شد. در منازل حمام نبود و از حمامهای عمومی و خزینه دار استفاده می کردند. خوراک مردم بسیار ساده و طبیعی بود و غالباً از نان، کره، ماست، کشک، روغن حیوانی، تخم مرغ و از گوشت گاو و گوسفند استفاده می شد. حبوبات بیشتر ولی برنج کمتر مصرف می شد. در هر ماه یک یا دو مرتبه از برنج استفاده می کردند ولی غالباً با بلغور یا رشته پلو مخلوط می شد.

شبهای عید نوروز همه مقید بودند پلو و قورمه لسبزی بپزند. مقداری را می خوردند و بقیه را در بشقابها و سینی می ریختند و غالباً تا سیزده نوروز نگاه داشته می شد و وسیله پذیرایی از مهمانها بود. در دید و بازدیدها غالباً از آجیل و گاهی از نقل و نان شکری و خیلی کم از گز استفاده می شد. پرتغال و نارنگی و لیمو دیده نمی شد. البته نارنج بود ولی نه برای خوردن بلکه برای

قشنگی و بوئیدن. گاهی هم سیب درختی و انار را به سقف می‌آبستند و برای عید نوروز نگه می‌داشتند.

چای خوردن تازه مرسوم شده بود ولی اکثر مردم از آن استفاده نمی‌کردند. لباس مردم نیز بسیار ساده بود. بیشتر مردم گیوه می‌پوشیدند، افراد کمی کفش چرمی می‌پوشیدند که ارسی نامیده می‌شد. گیوه‌دوزی و تخت‌کشی دو شغل مرسوم و محترم آن زمان بود.

کلاه‌ها را از پشم و کرک حیوانات تهیه می‌کردند و شغل کلاه‌مالی نیز از اشتغالات رسمی بود. لباس‌ها غالباً از کرباس و مدخال رنگ شده تهیه می‌شد. رنگرزی نیز یک شغل رسمی بود. البته افراد متمکن از پارچه‌های پشمی یا نخی الوان که از خارج وارد می‌شد یا در کارخانه‌های تازه تأسیس ایران بافته می‌شد نیز استفاده می‌کردند.

در خاتمه تذکر این نکته را لازم می‌دانم که گرچه وضع اقتصادی و معیشتی مردم در آن زمان غالباً خوب نبود ولی شاداب، سالم و خوش می‌زیستند و گرفتاری‌های مردم این زمان را نداشتند. چهره‌ها باز، لب‌ها خندان، بدن‌ها سالم و دل‌ها شاد و آرام بود.

منبع: کتاب خاطرات آیت الله امینی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/28730/امینی-الله-آیت-روایت-شاه-رضا-دوران-مردم-زندگی/>